



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۷/۱۰/۳۰



رسول پویان

افغانستان

و چرخش های تازه منطقه و بین المللی

بخش دوم

تبصره ناشر:

این مقاله عالی و پر محتوای جناب رسول پویان نویسنده پرتوان افغانستان در باره چرخش های تازه منطقه و بین المللی در افغانستان تحریر شده بود و در سال ۲۰۱۳ یعنی چهار سال قبل به تصمیم بنده حقیر و توسط خودم در سایت افغان جرمن آنلاین که در آن وقت یکی از کار مندان با صلاحیت آن سایت بودم، و هشتاد فیصد امور نشراتی آنرا به دوش داشتم، به نشر رسیده بود. امروز که از آن زمان چهار سال سپری شده است، افغانستان ما در حالت بدتری قرار گرفته و "چرخش های منطقه و بین المللی" هنوز هم بیشتر و خطرناکتر شده است، زیرا همسایه غربی ما ایران هم بر علاوه پاکستان به صورت فعال و جدی در پی تخریب و برپادی افغانستان قدم نهاده و روسیه (شوروی سابق) هم برای انتقام از شکست فزاینده بارش برای خورد ساختن افغانستان و تاریک ساختن بیشتر اوضاع شدیداً فعال شده است. به همین مناسبت، این مطلب مهم و جالب را دوباره در دو قسمت در وبسایت آریانا افغانستان آنلاین به دست نشر می سپاریم. ولی احمد نوری مدیر مسئول و خدمتگار آریانا افغانستان

هندوستان: سرزمین تاریخی و صاحب تمدن هند به عنوان کشور بزرگ محوری در جنوب آسیا دارای نظام دیموکراسی شرقی، ثبات سیاسی و اقتصادی و توان لازم نظامی می باشد. این کشور در هم آهنگی و همسویی با روسیه و چین در سازمان همکاری های شانگهای و با سران پیمان ناتو و امریکا در سطح منطقه و بین المللی خواهان ثبات، امنیت و صلح منطقه و جهانی است. مردم هند همواره قربانی تروریسم و افراطگرایی بوده اند؛ به این دلیل در پی ریشه کن سازی این غده های سرطانی می باشند. چرخش های تازه منطقه و بین المللی اخیر منافع همه جانبه هندوستان را در بر دارد. بی شک که سران هندوستان از تعادل و میانه روی در منطقه برای محو افراطگرایی و تندروی در کشورهای منطقه نه تنها استقبال می نمایند، بلکه به این جریان کمک همه جانبه هم می کنند.

روسیه بر محور آسیای شمالی و آسیای مرکزی:

روس ها با تاریخ و تمدن روشن نه تنها در آسیای شمالی و قسمتی از اروپا نقش مهمی دارند، بلکه در آسیای مرکزی نیز لنگر انداخته اند. در زمانی که قوای ناتو سرگرم جنگ و درگیری در شرق میانه و جنوب آسیا بودند، روس ها به بازسازی و نوسازی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود اشتغال داشتند. امنیت و ثبات را در جامعه تحکیم

اهتمام: ولی احمد نوری

می بخشیدند. صنایع نظامی، فضایی و مخابراتی خود را نوسازی می کردند. در مبارزه با مافیزم و افراطگرایی سرگرم بودند و به امنیت و ثبات جمهوری های آسیای مرکزی مبادرت می ورزیدند. روس ها در سالیان اخیر دوباره وارد رقابت تجارت اسلحه و صنایع فضایی و مخابراتی شده و در میدان دیپلوماسی در منطقه و جهان فعال شده اند که مثال بارز آن طرح حل بحران کیمیاوی سوریه از راه دیپلوماسی می باشد. روس ها به دلیل نگرانی از توسعه افراطگرایی، بنیادگرایی اسلامی و تروریسم در آسیای میانه و روسیه به حل قضایای بحران سوریه، ایران، افغانستان و پاکستان نیاز اساسی می داشته باشند. دولت روسیه یکی از اعضای اصلی سازمان همکاری های شانگهای در هم آهنگی با چین و هندوستان می باشد.

کشورهای آسیای مرکزی:

کشور های آسیای میانه در زیر چتر حمایت های اقتصادی، سیاسی و روانی سازمان همکاری های شانگهای به صلح، ثبات و رشد اقتصادی در حال و آینده می نگرند و در فضای حمایتی قدرت های بزرگ منطقوی و جهانی (روسیه، چین و هندوستان) ترسی از افراطگرایی و تروریسم صادره از پاکستان به دل راه نمی دهند. طرح های روی دست توسعه اقتصادی، تجارتی، اعمار خطوط ترانزیتی و مبادلاتی در حوزه های بس گسترده و مهم منطقوی و جهانی بین چین، کشورهای جنوب آسیا و آسیای مرکزی، روسیه و اروپا این قلمرو تأریخی بزرگ را به یکی از بخش های بسیار فعال و قوی اقتصاد و مدنیت منطقوی و جهانی تبدیل خواهد کرد. بگذار پاکستان به تروریست پروری، افراطگرایی، همسایه آزاری و پخش وحشت و ناامنی در منطقه و جهان مشغول باشد و ملل و کشورهای دیگر راه سعادت، پیشرفت، امنیت و ثبات را ببیمایند. مردم افغانستان با جبین گشاده و دلی مالا مال از عشق و امید به کاروان کشور های ضد افراطگرایی، ضد دهشت افکنی و ضد تروریسم برای صلح و صفای جامعه بشری می پیوندند.

سران ناتو به رهبری امریکا:

بار گران مصارف یکه تازی های نظامی و تهاجمی سران ناتو به رهبری امریکا در منطقه، خاصه حمله نظامی به عراق، جنگ و درگیری در افغانستان، لیبیا، سوریه، پاکستان و حضور همه جانبه در شرق میانه و جنوب آسیا نه تنها کمر اقتصاد امریکا را شکست، بلکه شکاف و تزلزل در بین سران ناتو را علنی ساخت. به طور مثال پارلمان برتانیه دولت این کشور را از اشتراک در حمله نظامی به سوریه باز داشت. انصراف امریکا از حمله نظامی به سوریه و پذیرش راه حل دیپلماسی بحران کیمیاوی در این کشور (که از جانب رقیب اصلی اش یعنی سران روسیه پیشنهاد شده است)، مبین ضعف امریکا و تزلزل سران ناتو می باشد. با نگاه به مصارف سالانه نظامی امریکا در سال ۲۰۱۰ میلادی (۴۵۰ میلیارد پوند) و مصارف سالانه نظامی چین (۴۶ میلیارد پوند) تفاوت میان اولین و دومین قدرت اقتصادی و نظامی جهان روشن می شود. با یک محاسبه سر انگشتی می توان گفت که مصارف نظامی سالانه امریکا نزدیک به ده برابر چین است؛ در حالی که مردم امریکا سالیانی است که رکود شدید اقتصادی را تحمل می کنند و کشور چین بلند ترین رشد اقتصادی را در سطح جهان داشته است. با این بررسی، علل گند شدن و توقف ماشین نظامی امریکا روشن می شود.

در افغانستان دنباله روی سران ناتو به رهبری امریکا از ستراتیژی کهنه و متروک پاکستان (مبنی بر حمایت و حفظ

طالبان و افراطگرایی در منطقه) فاجعه به بار آورده است. در مصر حمایت امریکا از اخوان المسلمین نتیجه منفی داد. همسویی امریکا با ستراتیژی آرمانگرایانه دولت "اردوغان" در ترکیه که مشوق حمله نظامی به سوریه و پشتیبانی از اخوان المسلمین در مصر و تقویت اسلام سیاسی در منطقه بود، فرو پاشید. اتکا به سلطنت مطلقه، مذهبی و استبدادی عربستان سعودی، کشاندن مردم شرق میانه قرن ها به عقب است. از «بهار عربی رویایی» در شرق میانه نه جمهوری خواهان دو آتشه گلی چیدند و نه دیموکرات ها در سایه سار آن دمی استراحت کردند. چه دیر سران ناتو به رهبری امریکا در زیر حجم بزرگ و سنگین دینامیزم افکار عمومی مردم جهان و منطقه تن به نوعی تعادل نسبی قطبین در راستای تقلیل تحرکات نظامی و افزایش امواج دیپلوماسی دادند.

پاکستان:

پاکستان محصول جهان دو قطبی و جنگ سرد می باشد. یورش نظامی اردوی شوروی به افغانستان به نظامیان و استخبارات پاکستان قدرت افزون بخشید و کمک های سرشار اروپا، امریکا و کشورهای عربی (به خصوص عربستان سعودی) را به این کشور سرازیر کرد. هسته های افراطگرایی، تندروی و تروریسم در پاکستان به رهبری مستقیم آی. اس. آی. و اردو شکل گرفت و این کشور به پایگاه اصلی پرورش و آموزش افراطیون و تندروان مذهبی از سراسر ممالک عربی و غیرعربی تبدیل شد. ستراتیژی ساخت، تربیه، رهبری و پخش افراطیت و تروریسم در آسیای مرکزی، شرق میانه، جنوب آسیا و دیگر نقاط منطقه و جهان توسط سران آی. اس. آی.، اردو و دول پاکستانی به پشتیبانی مالی امریکا، برتانیه، اروپا و سران کشورهای عربی (خاصاً عربستان سعودی) شکل و شیرازه یافت و به گاو پنج من شیر پاکستان تبدیل گردید.

احزاب و گروه های افراطی به سرعت رشد و توسعه پیدا کردند. تعداد مدارس دینی در پاکستان از چند صد مدرسه به چند هزار رسید و حالا بیش از ۱۲ هزار مدرسه و بیشتر از یک و نیم ملیون طلبه در این مدارس به کسب آموزش های اسلام سیاسی تندرو و ستیزه جو و افراطگرایی مشغول اند. مصارف گزاف اردوی شش صد هزار نفری و استخبارات پاکستان از بودجه امریکا، اروپا و کشورهای عربی (خاصه عربستان سعودی) پرداخت می شد و سالانه میلیارد ها دالر کمک های نظامی، اقتصادی و غیره به این مملکت سرازیر می گردید.

بعد از خروج نیروهای روسی از افغانستان و فرو پاشی اتحاد جماهیر شوروی موقف پاکستان همچنان حفظ شد؛ زیرا سران ناتو به رهبری امریکا و برتانیه با تهاجم نظامی به عراق و حضور نظامی و استخباراتی در شرق میانه و آسیای جنوبی به کشور پاکستان و ستراتیژی متذکره احتیاج داشتند. با زوال جنگ سرد، رکود اقتصادی امریکا و اروپا و کاهش مصارف نظامی ناتو ضرورت وجودی ستراتیژی کهنه پاکستان ختم گردید؛ اما سران پاکستان با استفاده از پس لرزه های جنگ سرد در شرق میانه و شدت یابی رقابت های قطبین از یک جانب و ناتوانی حکام پاکستانی در تدوین الترناتیف جایگزین از جانب دیگر به همان ستراتیژی کهنه، مفلوک و شکست خورده چسبیدند و تا هنوز از طالبان، افراطیون مذهبی و تروریستان در افغانستان و منطقه پشتیبانی همه جانبه می کنند.

حمایت علنی سران پاکستان از طالبان و افراطیون عرب و غیرعرب و گسیل آنان به افغانستان برای تداوم جنگ، بحران سازی، رعب و وحشت و ایجاد ناامنی و بی ثباتی در این کشور بلاکشیده، نفرت و انزجار مردم منطقه و جهان را برضد آنها برانگیخته است. ضرورت وجودی ستراتیژی افلیج پاکستانی سال هاست که ختم شده است؛ اما

سران عاقبت نیندیش پاکستان به طور ظالمانه و بی رحمانه از آن سوء استفاده می کنند و سران ناتو را چون روبای مکار بازی می دهند. چرخش های تازه منطقوی و جهانی از یک سو و بحران عمیق اقتصادی و انرژی داخلی، کاهش و قطع کمک های خارجی، ستیز و تقابل ویرانگر گروه های افراطی، قومی و سمتی، بحران بی هویتی فرهنگی و اجتماعی، مصارف سنگین اردوی ۶۰۰ هزار نفری و شبکه وسیع استخباراتی، فشارهای رقابت با هندوستان و انزوای بی سابقه پاکستان در منطقه و جهان از سوی دیگر نه تنها ستراتیژی منفور این کشور را برای ابد به زباله دان تاریخ می افکند، بلکه تجزیه و انفجار پاکستان را به دنبال خواهد داشت و این، موضوع حفظ و کنترل سلاح های اتمی پاکستان را در سطح بین المللی به میان می آورد.

امریکا و سران ناتو در فضای تازه فردا که ضرورت دیپلوماسی، تفاهم، گفت و گو و میانه روی را در زیر چتر تعادل نسبی قطبین متبازل می سازد، نمی توانند از این بیشتر به سران پاکستان فرصت جنگ افروزی، بحران سازی، افراطگری و تروریست پروری بدهند. بدون دفن ابدی جنازه متعفن ستراتیژی کلاسیک و بد نام پاکستان و اتخاذ پالیسی همکاری و سازندگی نوین، منطقه ما هرگز روی صلح، امنیت و ثبات را نخواهد دید.

افغانستان در تندباد چرخش های تازه اخیر:

کشور ما در چرخاب ویرانگر جنگ های متوالی و بحران های پیاپی تا به این جا رسیده و در بستر تند باد های اخیر افتاده است. چرخش های منطقوی و بین المللی اخیر خواهی خواهی بر اوضاع امروز و فردای افغانستان تأثیر می نهد و صف آرایی های سیاسی و مواضع نیروهای درگیر را تغییر می دهد. مردم جنگزده و بلاکشیده ما چند دهه است که قربانی کشاکش های خونین و رقابت های کشنده سران جهان دو قطبی و سپس قربانی افراطگرایی، تروریسم، مافیسم و بحران امنیتی شده اند. افغانستان در واقع به لابراتوار عملیات نظامی، استخباراتی و اطلاعاتی سران ناتو، کشت و تجارت مواد مخدر و زباله دان افراطگرایی، ترور، وحشت و خشونت های وارده از پاکستان تبدیل گردیده است. همچنان نظامیان پاکستان خواب «عمق ستراتیژیک» و ملاحای پاکستان به هدایت آی. اس. آی، سران اردو و دولت آرزوی بازگشت طالبان به قدرت را در سر می پروراند.

افغانستان چنان گوسفند لاغر و مظلوم قربانی در زیر تیغ کند و زنگزده ستراتیژی سنتی جنگ افروز و بحران ساز پاکستانی، ستراتیژی مبهم سران ناتو به رهبری امریکا، رقابت های قطبین، فساد سرسام آور دولتی و غیر دولتی، ضعف و بی برنامهگی دولت و عدم رشد لازم شعور جمعی سیاسی دست و پا می زند. قضایای حاد منطقوی مانند جنگ سوریه و موضوع اتمی ایران مسأله افغانستان را تا حدودی تحت الشعاع گرفته است؛ لیکن چرخش های تازه منطقوی و جهانی در ارتباط با حل دیپلماتیک قضایا و ضدیت عمومی با افراطگرایی و به حاشیه رانده شدن اسلام سیاسی در منطقه پیامد های جدیدی را به همراه دارد که افغانستان هم از آن برکنار بوده نمی تواند. به تلاطم افتادن ملاحای پاکستانی و آزادی ملا برادر شاید ناشی از ترس سران پاکستان از چرخش های تازه باشد.

در افغانستان هرچند تا هنوز شعور سیاسی جمعی به پختگی لازم نرسیده است؛ اما ظهور سطحی احزاب، سازمان ها، ائتلاف ها، اتحاد های مؤقت، کانون های مدنی، اتحادیه های صنفی، همکاری و در کنار هم نشستن دشمنان خونین دیروز، استفاده ابتدایی از منطق مذاکره به جای تفنگ، انتخابات و به پای صندوق های رأی رفتن مردم، بهر حال به معنی عبور از دوران جنگ و درگیری های خونین، به مرحله تا هنوز پخته نشده گفت و گو و همکاری های سیاسی

محسوب می‌شود. در حال حاضر تشکل‌های سیاسی و ائتلاف‌های به میان آمده بیشتر شکل و محتوای قومی دارند؛ زیرا تا کنون حقوق‌باشندگان بر مبنای رشد و توسعه جامعۀ مدنی و نظام سیاسی دیموکراتیک در افغانستان شکل و شیرازه نگرفته و دولت‌ها ترکیب قومی می‌داشته باشند. تازمانی که سیستم سیاسی اجتماعی دیموکراتیک نوع افغانستان بر مبنای قوانین مدنی و حقوق اتباع (که برای تمام اقوام و باشندگان افغانستان حقوق برابر بدهد)، شکل و شیرازه نگیرد، تمرکز انرژی‌های پراکنده موجود در کشور در جهت احیا و بازسازی، امنیت و ثبات درازمدت و رشد و انکشاف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سمت و سو داده نخواهد شد.

وظیفه ملی و میهنی عمده در افغانستان کنونی مبارزه قاطع با جنگ افروزی و وحشت پراکنی افراطیون (که از پشتیبانی مستقیم سران پاکستان برخوردارند) برای استقرار امنیت و ثبات در وطن می‌باشد. تجارب دهه اخیر به روشنی به اثبات رسانیده است که دولت فاسد، کم ظرفیت، بی کفایت و متزلزل کنونی هرگز نمی‌تواند این کار بزرگ تأریخی را انجام دهد. در افغانستان کشاکش آشکار در بین نیروهای حامی افراطگرایی و تندروی و طرفداران تعادل و میانه روی از یک سو و سینه چاکان حاکمیت استبدادی قومی و مشتاقان پلورالیزم قومی از سوی دیگر جریان دارد. به اساس تجارب تأریخی و مواضع جاری می‌توان گفت که حامیان استبداد قومی به سوی افراطگرایی و تندروان کشیده شده و طرفداران پلورالیزم قومی جانب تعادل و میانه روی را خواهند گرفت.

سران ناتو به رهبری امریکا طی دهه‌های اخیر با دنباله روی کورکورانه از ستراتیژی سنتی و ویرانگر پاکستان، از سیاست‌های بی نتیجه حامیان استبداد قومی (که به نحوی از انحا در همکاری و همسویی با افراطیون بوده است)، حمایت کرده اند؛ لیکن در سالیان اخیر عملاً به اثبات رسید که این سیاست ستراتیژیک از ریشه اشتباه بوده و با در نظر داشت واقعیت‌های داخلی افغانستان و ساختارهای منطقه بی هرگز به موفقیت نمی‌رسد. خوشبختانه که اوضاع منطقوی و جهانی در حال حاضر و چرخش‌های عمده تازه به نفع میانه روی و تعادل پسندی و بر ضد افراطگرایی و امنیت ستیزی در منطقه می‌باشد.

چه شایسته است که با گفت و گو و مذاکرات سازنده سیاسی انرژی‌های پراکنده هر دو جانب متذکره در افغانستان در یک ترکیب سیاسی دیموکراتیک که منافع تمام اتباع افغانستان را دربر داشته باشد، علیه افراطگرایی داخلی و بر ضد سیاست ستراتیژیک فرتوت و مخرب پاکستانی سمت و سو داده شود و نتیجه عملی و فکری آن در انتخابات پیش رو احساس و در دولت منتخب چراغ رهنما گردد.

پایان